

میلاد سراسر نور و با سعادت ثامن الحجج،
امام زئوف، علی ابن موسی رضا (ع)
تبریک و تهنیت عرض می نمائیم

السلام علیک ایها المرسلین

الله أكبر
محمد وآله

ولادت

حضرت رضا (ع)، بنا به قول بسیاری از مورخان، در روز یازدهم ذی‌القعدة و در مدینه منوره متولد شدند. از قول مادر ایشان نقل شده است که: «هنگامیکه به حضرتش حامله شدم به هیچ وجه ثقل حمل را در خود حس نمی‌کردم و وقتی به خواب می‌رفتم، صدای تسبیح و تمجید حق تعالی و ذکر «لااله الاالله» را از شکم خود می‌شنیدم، اما چون بیدار می‌شدم دیگر صدایی بگوش نمی‌رسید؛ هنگامی که وضع حمل انجام شد، نوزاد دو دستش را به زمین نهاد و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و لبانش را تکان می‌داد؛ گویی چیزی می‌گفت».

نظیر این واقعه، هنگام تولد دیگر ائمه و بعضی از پیامبران الهی نیز نقل شده است، از جمله حضرت عیسی (ع) که به اراده الهی، در گهواره لب به سخن گشود و با مردم سخن گفتند که شرح این ماجرا در قرآن کریم آمده است.

کنیه

امام کاظم (علیه السلام) کنیه ابوالحسن را به ایشان عنایت فرمودند، و به علی بن یقطین گفتند: «ای علی، این پسر (با اشاره به امام رضا علیه السلام)، آقای فرزندان من است و من کنیه خیش را به او داده‌ام. البته امام کاظم (ع) نیز کنیه‌شان ابوالحسن بوده است و این کنیه میان پدر و فرزند مشترک امی باشد. بدین جهت امام کاظم (علیه السلام) را «ابو الحسن اوّل» و امام رضا (علیه السلام) را «ابو الحسن دوم» می‌نامند.

القاب

مشهورترین لقب **امام هشتم شیعیان**، «رضا» به معنای خشنودی، است. امام محمدتقی (علیه السلام) امام نهم و فرزند ایشان سبب نامیده شدن آن حضرت به این لقب را اینگونه نقل می‌فرمایند: «خداوند او را رضا لقب نهاد زیرا خداوند در آسمان و رسول خدا و ائمه اطهار در زمین از او خشنود بوده‌اند و ایشان را برای امامت پسندیده‌اند و همینطور (به خاطر خلق و خوی نیکوی امام) هم دوستان و نزدیکان و هم دشمنان از ایشان راضی و خشنود بودند».

یکی دیگر از القاب مشهور حضرت «عالم آل محمد» است. نقل شده است که امام کاظم (ع) به فرزندانش می‌گفت: «برادر شما علی بن موسی، عالم آل محمد است.» این لقب نشانگر ظهور علم و دانش ایشان می‌باشد؛ جلسات مناظره متعددی که امام با دانشمندان بزرگ عصر خویش، به‌ویژه علمای ادیان مختلف انجام داد و در همه آن‌ها با سربلندی تمام بیرون آمد، دلیل کوچکی بر این سخن است. این توانایی و برتری امام، در تسلط بر علوم، یکی از دلایل امامت ایشان می‌باشد و با تأمل در سخنان امام در این مناظرات، کاملاً این مطلب روشن می‌گردد که این علوم جز از يك منبع وابسته به الهام و وحی نمی‌تواند سرچشمه گرفته باشد.

امامت امام رضا (ع)

امام رضا (ع) پس از شهادت پدرش امام کاظم (ع) در سال ۱۸۳ق امامت را عهده‌دار شد؛ مدت امامت آن حضرت ۲۰ سال (۲۰۳-۱۸۳ق) بود که با خلافت هارون الرشید (۱۰ سال)، محمد امین (حدود ۵ سال)، مأمون (۵ سال) همزمان شد.

امامت و وصایت حضرت رضا (علیه السلام) بارها توسط پدر بزرگوار و اجداد طاهری‌نشان و رسول اکرم (ص) اعلام شده بود. به خصوص امام کاظم (علیه السلام) بارها در حضور مردم ایشان را به عنوان وصی و امام بعد از خویش معرفی کرده بودند؛ یکی از یاران امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌گوید: «ما شصت نفر بودیم که موسی بن جعفر (ع) به جمع ما وارد شد، درحالی که دست فرزندش علی در دست او بود، فرمود: «آیا می‌دانید من کیستم؟»، گفتم: «تو آقا و بزرگ ما هستی»، فرمود: «نام و لقب من را بگوئید»، گفتم: «شما موسی بن جعفر بن محمد هستید»، فرمود: «این که با من است کیست؟»، گفتم: «علی بن موسی بن جعفر»، فرمود: «پس شهادت دهید او در زندگانی من وکیل من است و بعد از مرگ من وصی من می‌باشد». در حدیث مشهوری نیز که جابر از قول نبی اکرم (ص) نقل می‌کند، امام رضا (علیه السلام) به عنوان هشتمین امام و وصی پیامبر معرفی شده‌اند. امام صادق (علیه السلام) نیز مکرر به امام کاظم می‌فرمودند: «عالم آل محمد از فرزندان تو است و او وصی بعد از تو می‌باشد».

پس از شهادت امام هفتم، بیشتر شیعیان با توجه به وصیت امام(ع) و دلایل و شواهد دیگر، امامت فرزند ایشان، علی بن موسی الرضا (ع) را پذیرفتند و وی را به عنوان امام هشتم تأیید نمودند. این دسته که بزرگان اصحاب امام کاظم (ع) را هم شامل می‌شد به نام قطعیه مشهور شدند. ولی گروه دیگری از اصحاب امام هفتم (ع) بنا به دلایلی، از اعتراف به امامت علی بن موسی الرضا (ع) سرباز زده و در امامت حضرت موسی بن جعفر (ع) توقف کردند. آنان اظهار می‌داشتند که موسی بن جعفر (ع) آخرین امام است و کسی را به امامت تعیین نکرده و یا دست‌کم ما از آن آگاه نیستیم، این گروه واقفیه (یا واقفه) نامیده شدند. امام رضا(علیه السلام) در روایتی سرنوشت آنها را اینگونه بیان فرمودند: «در حیرت زندگی می‌کنند و نهایت در حال کفر

می‌میرند.»

سفر امام رضا (ع) به خراسان

هجرت امام رضا (ع) از مدینه به مرو در سال ۲۰۰، یا ۲۰۱ قمری بود. پس از تصمیم مأمون تصمیم مبنی بر دادن پیشنهاد ولایتعهدی به امام، او یکی از افراد خویش به نام رجاء بن ابی ضحاک را به مدینه فرستاد تا امام را به مرو محل اقامت مأمون بیاورد. به عقیده برخی، مأمون مسیر مشخصی برای سفر امام رضا (ع) به مرو انتخاب کرد تا آن حضرت از مراکز شیعه‌نشین عبور نکند، زیرا از اجتماع شیعیان بر گرد امام می‌ترسید. او دستور داد تا حضرت را از مسیر کوفه نیاورند بلکه از طریق بصره، خوزستان و فارس، به نیشابور بیاورند. مسیر حرکت، طبق کتاب اطلس شیعه چنین بوده است: مدینه، نقره، هوسجه، نجاج، حفر ابوموسی، بصره، اهواز، بهبهان، اصطخر، ابرقوه، ده شیر (فراشاه)، یزد، خرائق، رباط پشت بام، نیشابور، قدمگاه، ده سرخ، طوس، سرخس، مرو. به گزارش شیخ مفید مأموران مأمون، امام رضا (ع) و برخی از بنی‌هاشم را از مسیر بصره به مرو آوردند. مأمون آن‌ها را در خانه‌ای و امام رضا را در خانه‌ای دیگر جای داد و او را اکرام کرد.

شیخ صدوق از معول سجستانی آورده: «زمانی که برای بردن امام رضا (علیه السلام) به خراسان پیکی به مدینه آمد، من در آنجا بودم. امام به منظور وداع از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد حرم شد، او را دیدم که چندین بار از حرم بیرون می آمد و دوباره به سوی مدفن پیغمبر بازمی گشت و با صدای بلند گریه می کرد. من به امام نزدیک شده و سلام کردم و علت این موضوع را از آن حضرت جویا شدم. در جواب فرمودند: «من از جوار جدّم بیرون رفته و در غربت از دنیا خواهم رفت.»

امام پیش از رفتن به خراسان به داخل مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شد و دستش را بر لبه قبر شریف نهاد و فرزندش را به قبر چسباند و نزد جدّش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) طلب حفاظت برای او کرد و سپس به فرزندش گفت: «به تمام وکلا و خدمتکارانم گفته ام که از تو شنوایی داشته باشند و پیرویت کنند»، و به اصحابش او را معرفی کرد که جانشین وی خواهد بود.

شهادت امام رضا (ع)

در نحوه به شهادت رسیدن امام نقل شده است که مأمون به یکی از خدمتکاران خویش دستور داده بود تا ناخن‌های دستش را بلند نگه دارد و بعد به او دستور داد تا دست خود را به زهر مخصوصی آلوده کند و در بین ناخن‌هایش زهر قرار دهد و اناری را با دستان زهرآلودش دانه کند و او دستور مأمون را اجابت کرد. مأمون نیز انار زهرآلوده را خدمت حضرت گذارد و اصرار کرد که امام از آن انار تناول کنند. اما حضرت از خوردن امتناع فرمودند و مأمون اصرار کرد تا جایی که حضرت را تهدید به مرگ نمود و حضرت به جبر، قدری از آن انار مسموم تناول فرمودند. بعد از گذشت چند ساعت، زهر اثر کرد و حال حضرت دگرگون گردید و صبح روز بعد در سحرگاه روز 29 صفر سال 203 هجری قمری امام رضا (علیه السلام) به شهادت رسیدند.